



xalvat.com

۴۴۷

# گیمبان

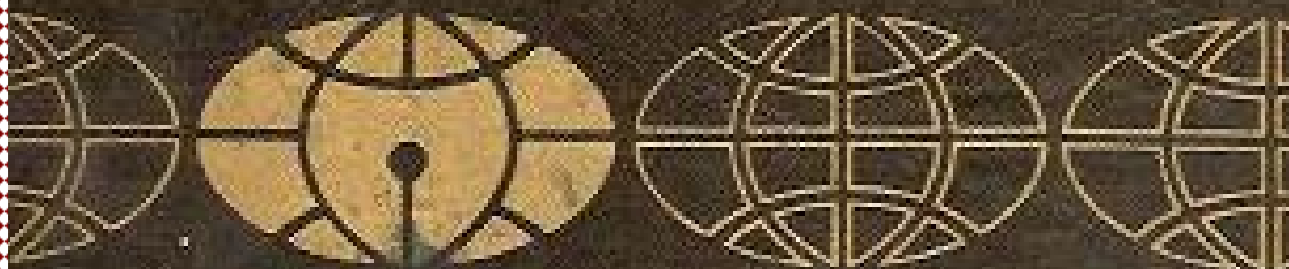
دوره دوم - طبع و تحم

آغاز آگوست ۱۳۵۸ تا آگوست ۱۳۵۹

دفاعیه امیر انتظام از زندان اوین

+ پاسخ "رضا پراهنی" به امیر انتظام

+ بازرگان : شورای انقلاب در جریان کارهای امیر انتظام و میثاچی بود.



# کیهان

صفحه ۱۶

تکثیر - ۱۵ دی ماه

پخشیه ۱۶ دی ماه ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۸۸

### تکلیف اداره مملکت امر و زوروشن میشود

## کیهان

تکثیر - ۱۵ دی ماه

### پخش افشاگری دانشجویان از رادیو تلویزیون ممنوع شد

پخش افشاگری دانشجویان از رادیو تلویزیون ممنوع شد



امیر انتظام

### دفاعیه امیر انتظام از زندان

دفاعیه امیر انتظام از زندان اوین

## به حکم آیت الله خلخالی به اتهام اعمال ضد انقلابی

# ۱۴۵ امیر، افسر و درجه دار نیروی هوایی اخراج شدند

زبان و سوره ایوان  
استاد رهبر  
صواب  
رئیس  
شعبه  
۱۲۰ هزار  
کارمند  
دولت  
مجلس - ۱۳۸۸  
از این شکل  
اعضای  
شورای  
تکلیف  
عمری  
میسوند  
پاسخ  
مناجات  
غفتت  
پژوهان  
انقلاب  
مجلس - ۱۳۸۸

### ۵ محکوم دادگاه انقلاب تیرباران شدند

به معاونت هویت به اتهام محکوم شد

### مخالفات احزاب و گروهها دومرحله ای شدند انتخابات

### یکت از شهید ۱۳ سپهبد ۱۳ سرلشکر و ۶۵ سرتیپ جزواخراج شدگانند

### رئیس جمهور استول اداره کشور گستا شورای انقلابیه

### اسناد افشا شده نه اصل بود و نه محتوای قابل توجهی داشت

### ۱۰ هزار مدیر صنعتی از ایران فرار کردند

### شرایط فعالیت های انتخاباتی کاندیداهای مجلس



# دفاعیه امیر انتظام از زندان - ۱

✪ در تمام انقلاب های عالم همیشه انقلابیون از دوراه عمل می کنند ؛ جنگ مسلحانه و از طریق مذاکره و همیشه این دو همراه و همزمان انجام می شود .

بدنبال الشاگری دانشجویان پیرو خط امام در مورد عباس امیر انتظام سخنگوی پیشین دولت مهندس بازرگان ، متن دفاعیه ای از سوی امیر انتظام به کیهان فرستاده شد این دفاعیه از طریق مهندس بازرگان در اختیار کیهان قرار گرفت و ما با حفظ بی نظری عینا آنرا از نظر خوانندگان عزیز می گزرانیم. متن دفاعیه باین شرح است:

[xalvat.com](http://xalvat.com)

بنام خدا

این اولین متن دفاعیه ایست که بصورت نوشته و نوار از طرف اینجانب احتمالا باستحضار شما مردم ایران میرسد. در مدت ۴۰ روز گذشته بارها با نوشتن نامه نسبت به توقیف و اتهامات اعتراض کردم ولی باوجود ادعای آزادی حتی برای دشمنان ملت ایران و گروههای چپ وابسته متجاوز ، معینا بمن اجازه ندادند که اعتراضات و منافعات من بگوش ملت ایران برسد. امیدوارم اینبار این عنایت را بشایند. قبل از شروع به سخن وظیفه خود میدانم که از جناب آقای مهندس بازرگان و حضرت آیات عظام تشکر کنم و قبل از شروع به مطالب چند تقاضا دارم که امیدوارم پذیرفته شود.

۱- از کلیه خواهران و برادران ایرانی خودم و بخصوص آنهاییکه مسلمان هستند تقاضا دارم برای مدتی که برایش اینجانب توجه دارند عینک سیاهی که بدلیل پیش ناوریها بر چشم و بردل خود زده اند بردارند و سادقانه و منصفانه فقط برای همین مدت کوتاه بعنوان يك انسان و يك مسلمان بمن بهمان صورتی نگاه و توجه کنند که قبل از شنیدن این اتهامات تنگین میکردند و پس از شنیدن عرایض من و مراجعه بعلو تفکر طبق دستور خدا و پیامبر عالیقدر اسلام چنانچه احتیاج مجددی بداشتن آن عینک سیاه بدبینی داشتید دوبرتبار از استفاده نمائید.

۲- قبل از شروع بمباریسم خدا را بشهدات میگیرم که در اینجا هیچوجه منظوری برای متهم کردن کسی ندارم بلکه آنچه را که باستحضار ملت ایران میرسانم وقایع و اتفاقات همان سورتی است که اتفاق افتاده نه کم و نه بیش و هرگز بناوری نخواهم نشست چون خدای بزرگ و ملت قهرمان ایران داوری خواهند کرد.

من درباره اتفاقات و وقایعی که در مدت ۴۰ روز که در بازداشت دانشجویان پیرو خط امام بودم و آشوبی چون ناراحتی شدید معده و قلب برایم بارهنگام آورده است حرفی نمیزنم و فقط بذكر يك بيت شعر از سعدی قناعت میکنم :

از دست دوست مرچه ستانی شکر بود  
سعدی رضای خود مطاب چون رضای اوست

از مجموع مطالبی که خواندمام و یاشنیدم موارده اتهامات را بشرح زیر خلاصه میکنم :

الف - تماس و گفت و گو با مقامات امریکائی

ب - حمایت از بختیار

xalvat.com

ج - مجلس خبرگان

د - دادن اجازه خروج

البته شما ملت ایران و شما رهبران مذهبی و سیاسی توجه دارید که قبل از محاکمه سند حکومت اینجانب نسبتها در ایران بلکه بصورت نشریات افشاءگرانه چاپ و باقیی نقاط دنیا فرستاده شد. و در این مدت بدلیل عظمت اتهام که شاید بالاترین و سنگین ترین اتهامی است که بانسانی میتوان نسبت داد فقط چند مرد باخدا و شجاع بخود جرات دفاع و سؤال دادند.

اتهام اول - تماس و گفت و گو با مقامات امریکائی

این اتهام را به چهار دوره تقسیم میکنم.

۱ - دوره اول از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۲ - دوره قبل از پیروزی انقلاب

۳ - دوره معاونت نخستوزیری

۴ - دوره سفارت در کشورهای اسکانیدیناوی

۱ - دوره پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

اجازه دهید وقایع دوران پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را برض شما برسانم. آنهاست که لاف‌ها در من (۴۷ سال) هستند و خاطرات تلخ و شیرین دوران حکومت دکتر محمد مصدق رهبر بزرگ ضد استعماری ملت ایران را در آن تاریخ بخاطر دارند میدانند که دکتر مصدق رهبر جبهه ملی ایران پس از یک عمر مبارزه بر علیه استبداد و استعمار در سال ۱۳۲۹ موفق شد با حمایت همه جانبه مردان و زنان ازجان گذشته ایران سکان هدایت کشور را بدست بگیرد و با علی کردن صنایع نفت دولت جابر استعماری انگلستان را از صحنه سیاست ایران خارج و عوامل دست‌نشاندها را که شاه جنایتکار در رأس همه آنها قرار داشت مهار کند. من در آن دوران دانش آموز و بعد دانشجوی دانشگاه تهران در دانشکده فنی بودم و در این مبارزات بزرگ میهنی سهم کوچکی بعهده داشتم. شما بخاطر نارید که حکومت ملی دکتر مصدق پس از نزدیک یکسال و نیم با توطئه مشترک آمریکا و انگلیس و موافقت دولت شوروی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ساقط شد (لطفاً به کتاب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نوشته کریمت روزولت مراجعه فرمائید).

xalvat.com

پس از کودتای ننگین آمریکا در ۲۸ مرداد و سرکوبی ملت قهرمان ایران از طریق شاه و عوامل او ملت ایران ساکت نشست و بلافاصله نهضتی زیرزمینی توسط آزاد مردانی چون مهندس مهدی بازرگان - حضرت آیتاله طالقانی - حضرت آیتاله سیدرضا زنجانی - دکتر یناله سعیدی - مرحوم رحیم عظامی و عده دیگری از مردم ازجان گذشته ایران بوجود آورده شد. منکه در دوران دانشکده فنی افتخار شاگردی مهندس بازرگان را داشتم و با افکار و فعالیتهای سیاسی ایشان آشنا شده بودم، در مسیر مبارزات شروع فعالیت نهضت مقاومت ملی چون سر بازی کوچک در مبارزاتی که مشارکت بر آن جرم تا آستانه مرگ بود شرکت داشتم. سطح فعالیت و کار من بعدی رسید که بمضویت هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی و مسئول اداره دانشگاه تهران انتخاب شدم و چون سازمان ما یک سازمان مخفی بود همه ما اسم مستعار داشتیم و من هم در آن دوران بدلیل مسئولیت در دانشگاه با اسم مستعار «دانش» فعالیت میکردم. کماتیکه در آن دوران در دانشگاه تهران بودند با فعالیت های من و سهم کوچکی که داشتم آشنا هستند و فقط بذکر نام چند نفر از آنها میپردازم. آقای دکتر ابراهیم یزدی - آقای دکتر مصطفی چمران وزیر دفاع فعلی و آقای دکتر محمود احمد زاده وزیر صنایع فعلی و دهها و صدها افراد دیگری که در آن زمان در دانشگاه تهران بودند. در شهری که جانسون برای دیداری با ایران آمده بود کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران تصمیم گرفت نامه اعتراضیه به جانسون بدهد و نسبت به دخالت آمریکا در امور ایران و مسافرت جانسون اعتراض کند. این نامه تهیه شد و قرار شد کسی آنرا در آن شرایط خفان آور بجانسون بدهد. من داوطلب دادن نامه شدم و نامه را از طریق سفارت آمریکا و شخصی بنام ریچارد کاتم بجانسون دادم. این همان نامه ایست که مهندس بازرگان بخاطر آن چندین سال از عمر خود را در کج زندان گذرانید.



در موقع دادن نامه آقای ریچارد کاتم اظهار داشت که شخص او وعده زیادی از همکاران او در سفارت نسبت به مخالفت امریکا در ایران اعتراض کرده و مخالف این دخالت بوده اند. (لطفاً بکتاب کودتای ۲۸ مرداد نوشته کریمت روزولت مراجعه فرمائید) آقای کاتم پیشنهاد کرد چنانچه نهضت مقاومت ملی ایران اجازه دهد هر چند وقت یکبار من او را ببینم و مطالبی که دارم باو بدهم پیشنهاد او را با اطلاع کمیته مرکزی نهضت مقاومت رسانیدم و کمیته تصویب کرد که در صورت ضرورت او را ببینم. درست بخاطر بنارم ولی مجموعاً شاید چندبار پس از دادن نامه جانسون ، آقای کاتم را دیدم و اعترافات مجدد نهضت مقاومت ملی ایران را از طریق او بدولت امریکا اطلاع دادم. آقای کاتم پس از مدتی از سفارت امریکا وزارت امور خارجه امریکا استعفا داد و از ایران رفت (به کتاب کودتای ۲۸ مرداد کریمت روزولت مراجعه شود).

۴- گفتوگو و تماس با مسئولین سیاسی امریکا قبل از پیروزی انقلاب

من تنها می‌کنم صبر و بردباری بیشتری نداشته باشید و اجازه دهید من کمی بیشتر وقت شما را بگیرم و قبل از شروع به توضیح در این مورد مجبورم مطالبی را باستحضار ملت ایران برسانم و آن اینست:

بقیه در شماره آینده



دفاعیه امیر انتظام از زندان - ۲ [xalvat.com](http://xalvat.com)

## ملاقاتها و تماس های من، با اطلاع و اجازه بازرگان و دکتر یزدی بود

\* همه سفرای خارجی مقیم ایران  
از رفتن من به سوئد اظهار تأسف  
می کردند

در شماره روز پنجشنبه قسمت اول دفاعیات  
امیر انتظام را که از زندان نوشته بود خواندید  
و اینک قسمت دوم آن را می بینید. امیر انتظام  
در این قسمت چگونگی تماس هایش را با سفرای  
و نمایندگان خارجی و بخصوص آمریکائی شرح  
داده است.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

در هر کجای دنیا که جریان و یا حرکت و یا جنبشی  
بر علیه حکومتی بوجود می آید، تمام مسئولین سیاسی عالم  
و نمایندگان رسانه های گروهی به آن جنبش و حرکت و  
گردانندگان آن توجه میکنند و تمام هست و توجه صرف آن  
میشود که بتوانند رهبران آن حرکت مخالف را پیدا کنند  
و درباره اهداف آن حرکت اطلاعاتی بدست بیاورند. مثال  
خیلی ساده میزنم. در حال حاضر عده ای در کشور ما با  
حکومت جمهوری اسلامی ایران مخالفت دارند و من چون  
پنج ماه در این برهه خاصی از زمان را در اروپا بودم و هر شب  
و هر روز ناظر بر این جریانات بوده ام آنرا برای شما بیان  
میکنم. در تمام دورانی که من در سوئد و یا سایر کشورهای  
اسکاندیناوی بودم شبی نبود که فیلم یا مصاحبه تلویزیونی  
با مخالفین دولت جمهوری اسلامی ایران در صفحات تلویزیون  
و یا مطالب رادیو و یا بصورت مقالاتی در روزنامه های این  
کشور پخش نشود و باز بعنوان مثال در زمانیکه تلویزیون  
سوئد بین که سفیر جمهوری اسلامی ایران در آن کشور  
بودم فقط ۳ دقیقه وقت آنهم در یک هفته داده بود یکی از  
آقایان گروه مخالف آقای رضا براهنی ۵ دقیقه وقت  
مصاحبه در یک شب داده بودند تا نظریات مخالف خودش را  
نسبت به حکومت جمهوری اسلامی ایران بیان کند. این را  
باین دلیل ذکر کردم تا توجه داشته باشید که بعنوان یک  
واقفیت نمایندگان سیاسی تمام کشورهای خارجی مقیم در  
کشوریکه جنبش یا حرکتی در آن وجود دارد با رهبران گروه  
مخالف تماس میگیرند و آن گروه مخالف را بعنوان دولتی که  
در حال بوجود آمدن هست تصور و تعبیر مینمایند و همین کار  
را نیز رسانه های گروهی اعم از روزنامه یا رادیو و یا  
تلویزیون انجام میدهند کسه شناسائی افراد ایسن  
رسانه های گروهی یا نمایندگی های سیاسی از نظر  
عضویت در سازمانهای جاسوسی مختلف دنیا برای انقلابیون  
امکان پذیر نیست.



حال با توضیحاتی که دادم با استحضار می‌رسانم که در دوران قبل از پیروزی انقلاب یعنی عملاً از ابتدای سال ۱۳۵۷ که جنبش ضد استعماری ایران برهبری حضرت آیت‌الله امام خمینی شکل تازمائی بخود گرفتند بود نمایندگان سیاسی کلیه سفارتخانه‌های خارجی در ایران و نمایندگان رسانه‌های گروهی خارجی با هر گروه و دسته و شخصی که فکر می‌کردند آنها در سر نوشت انقلاب اسلامی ایران موثرند تماس گرفته بودند.

تاریخ صحیح آمدن آقای ریچارد کاتم را بایسران بخاطر ندارم ولی فکر می‌کنم اواخر آفرماه یا اوایل دیماه ۱۳۵۷ بود که آقای کاتم پس از رفتن بیاریس و احتمالاً ملاقات با حضرت آیت‌الله امام خمینی به تهران آمد و من از طریق سازمان دفاع از حقوق بشر مطلع شدم که آقای ریچارد کاتم که قبلاً از آن اسم برده بودم بایران آمده و بسا اعضاء سازمان دفاع از حقوق بشر جلسه خواهد داشت، مراهم برای این جلسه دعوت کردند.

افرادیکه در این جلسه حضور داشتند عبارت بودند از: آقای دکتر میناچی وزیر ارشاد ملی، آقای دکتر علی‌اصغر صدر حاج سیدجوادی، آقای مهندس نباتی، آقای ریچارد کاتم و آقای استمیل و شخص من. موضوع مورد مذاکره عدم حمایت دولت آمریکا از شاه و دولت وقت ایران بود. پس از ختم جلسه آقای کاتم آقای استمیل را بمن معرفی کرد. در تمامی این مذاکرات همانطور که قبلاً هم توجه دادم تمام تلاش برای عدم دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و عدم حمایت از شاه و دولت‌های وقت بود. در همین زمان یکی دیگر از چیزهای معروف آمریکا بنام آقای رمزی کلارک بایران آمده و جوهری از جلسات که بحضور حضرت آیت‌الله طالقانی رفته بود من وعده دیگری از برادران و خواهران هم حضور داشتیم و تلاش حضرت آیت‌الله طالقانی هم همین تلاش همگانی ما بود.

مطلبی را که در اینجا لازمست توجه دهم اینست که در تمام انقلابات عالم همیشه انقلابیون از دوراه عمل می‌کنند یکی از طریق جنگ مسلحانه و یکی از طریق مذاکره و همیشه ایندو همراه و همزمان هم انجام میشود. و توجه شما را بعنوان مثال با انقلاب الجزایر و کوبا جلب می‌کنم که همزمان با جنگ قهرمانانه هر دو ملت کوبا و الجزایر مذاکراتی هم برای متوقف کردن اعمال طرف مقابل از طریق مذاکره وجود داشته است و مذاکرات ما هم با طرف‌های درگیر در مسائل ایران همزمان نبرد مسلحانه یک روش و طریقه تازمائی نیست.

۴- مذاکره با نمایندگان سیاسی آمریکا در دوران معاونت نخست‌وزیری

در اینجا نیز قبل از شروع به تشریح وقایع تمنا دارم صادقانه و خالصانه و جدا از هر تعصبی وضع دولت موقت انقلاب را در روزهای اول پس از پیروزی و پنج ماهی که من بعنوان معاون نخست‌وزیر افتخار خدمتگزاری به کشور را

داشتم بخاطر بیاورید. کنارگودنشستن و با دیده خرنه گیرانه و بدون توجه به امکانات و حجم مسائل و مشکلات به قضاوت نشستن کار یک مسلمان و یک انسان باانصاف نیست.

روز دوشنبه ۲۳ بهمن ۵۷ من از طرف آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت با اتفاق آیت‌الله شبستری و آقای رادنیسا مامور شدیم که پرویم نخست‌وزیری را تحویل بگیریم. صبح دوشنبه ۲۳ بهمن را بخاطر بیاورید که تهران در چه حالی بود و در میان آتش هیجان میسوخت. ما به نخست‌وزیری رفتیم و وجود آیت‌الله شبستری برای ما بسیار منتهم بود. خوشبختانه وقتی ما رسیدیم جنگی نبود چون برادران انقلابی ما قبلا آنجا را فتح کرده بودند. بهر صورت از ساعت ۸ یا ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر ساختمانها را تحویل گرفتیم و منظم کردیم و اطاقی را هم در ساختمان کارمندان نخست‌وزیری برای آقای مهندس بازرگان آماده کردیم. من خدمت ایشان تلفن کردم و ایشان آمدند. وقتی در بله‌های ساختمان نخست‌وزیری به ایشان خیرمقدم میگفتم، ایشان گفتند که من، تو و مهندس صباغیان و دکتر بزرگی‌ها بعنوان معاون انتخاب کردیم، چه میگوی؟ گفتم سرکاری هستم که در هر کجا مامور باشم خدمت خواهم کرد و از آن لحظه بعنوان معاون سیاسی و روابط عمومی و اجرایی نخست‌وزیر و بعدها در سمت سخنگوی دولت کار خودم را شروع کردم. روز اول ما فقط ۴ نفر بودیم و با چند صد نفر کارمندان نخست‌وزیری که اصلا آنها را نمی‌شناختیم شروع بکار کردیم. من فکر نمیکنم که پس از پنج ماه که من نخست‌وزیری را ترک کردم تعداد افراد مورد اعتمادی که ما از خارج برای همکاری به نخست‌وزیری آورده بودیم از ۳۰ نفر تجاوز کرده باشند.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

شما امروز پس از ۶۰ ماه که آنها از آسیاب فروریخته و کارها نسبتا روی غلطک افتاده و هر سال زمانی را افسران زیادی بداره میکنند آمدناید، اسناد و کارهای ما را در آن دوران بیرون کشیدماید که چرا ما اجازه دادیم دولت آمریکا وسائک و لوازم شخصی افسراد خسودی را که چیزی از حقوق بین‌المللی اوست از ایران بیرون ببرد. ما این اجازه را تنها بدولت آمریکا دادیم بلکه به تمام دولت‌های خارجی که افرادی در ایران داشتند دادیم. چرا بخاطر نمی‌آورید که حدود ۴ هزار آمریکائی و بیش از یکصد هزار خارجی دیگر در ایران بودند و همه آنها بوحشت افتاده بودند و میخواستند از ایران خارج شوند و من با اطلاع و تأیید و تصویب نخست‌وزیر آنچه را که وظیفه من بود انجام دادم.



امیر انتظام تنها در سفارت آمریکا پرونده ندارد بلکه در تمام سفارتخانه‌های خارجی پرونده‌ای بنام امیر انتظام وجود دارد؛ چون من معاون اجرایی نخست‌وزیر بودم و طبق دستور نخست‌وزیر وقت که حکومتش يك تکلیف ضری او بود و من هم که معاون ایشان بودم شرعا میبایستی وظیفه‌ای که به‌مدام گذاشته شده بود بر زمین نگذارم، انجام وظیفه می‌کردم.

شما دانشجویی که بعنوان مسلمان پیرو خط امام، بدون اینکه حتی يك روز در صورت کار اجرایی کرده باشی به قضاوت نشستی، چگونه امکان پذیر بود که با روزی ۱۸ تا ۲۰ ساعت کار و نبودن هیچ نوع امکانات اجرایی و کوهی از مشکلات، بیشتر و دقیقتر و صحیح‌تر از آنچه ما کردیم انجام داد. مگر يك انسان تا چه اندازه ظرافت و امکان فکر کردن و کار کردن دارد، با همه آن مشکلات و کمبودها امروز من نه تنها سرشکسته و سرافکنده نیستم بلکه افتخار میکنم که سهمی را که به‌مدام من گذاشته شده بود با کمال صداقت و شرافت و فقط حقوق ملت ایران انجام دادم.

خواهران و برادران و شما رهبران و پیشوایان بزرگی ملت مسلمان ایران که بسختی از گوش میدهند و با متن مذاکرات مرا میخوانید، منصفانه و صادقانه و دور از هر تعصبی بقضاوت بنشینید و خدا را حاضر و ناظر برای قضاوت قرار دهید و در مورد افعال من به دولت مهندس بازرگان قضاوت کنید.

خواهران و برادران، اگر از تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ سیاست جدیدی توسط دانشجویان پیرو خط امام تعریف و دیکته شده است اعمالی را که بمن نسبت دادمانند متعلق به دورانی است که سیاست دولت بازرگان و اطاعت از او يك امر شرعی از طرف حضرت آیت‌الله خمینی برای ملت ایران تکلیف شده بود و رئیس دولت وقت از تمام ملاقاتها و مذاکرات من با اطلاع بودند. تمام مذاکراتی که در این دوران من چه با حضور آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر و چه با حضور آقای دکتر یزدی وزیر امور خارجه و چه تنها انجام دادم بر مبنای سیاست دولت برای حل مسائل از این مذاکره است و تمامی آنها با اطلاع و تصویب دولت انجام گرفته است.

دنباله دارد

[xalvat.com](http://xalvat.com)



## دفاعیه امیر انتظام از زندان - قسمت سوم

# ملاقات من با بختیار توسط اعضای شورای انقلاب بررسی شد

هندس امیر انتظام سخنگوی دولت سابق بازرگان طی ماهی به کیهان از چگونگی فعالیت سیاسی خود در زمان همکاریش با بازرگان یرده برداشت . قسمت اول و دوم اظهارات امیر انتظام را در دو روز گشته خواندید و اینک قسمت سوم آنرا می خوانید :

ع- مذاکره با نمایندگان سیاسی امریکا و سوئد

باز اجازه دهید توضیچی قبل از تشریح وقایع این دوران بدهم.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

بدلیل خدمات صادقانه ای که در دوران خدمت بعنوان معاون نخست وزیر در تهران کرده بودم وقتی سفرای کشورهای خارجی متوجه شدند که به مأموریت خارج از کشور میروم لااقل چهار نفر آنها که عبارت بودند از سفیر هند- آلمان- فرانسه و انگلیس به آقای هندس بازرگان در حضور من گفتند ، پس از رفتن امیر انتظام چه خواهید کرد؟ بلااستثناء کلیه سفرائی که تا قبل از رفتن من بدیدنم آمده بودند صادقانه از رفتن من اظهار تاسف میکردند چرا؟ دلیل آن این بود که ماههای اول پس از پیروزی انقلاب نیروی انتظامی نداشتیم و سپاه پاسداران و کمیته ها هنوز شکل امروز را نداشتند و هر زمان که منزل سفیری و یا سفارتخانه ای مورد تهاجم و یا تهدید قرار میگرفته سفرای آن سفارتخانه چه شب و چه روز بدقتر من سوآ آمدند و برای گرفتن کمک و حفظ جان خودشان التماس میکردند . بعنوان مثال حمله به سفارت دانمارک و انگلیس را فقط ذکر میکنم و خدایمبندگه در آن دوران پیدا کردن ع نثر چه از طریق شهربانی و چه از طریق کمیته ها و یا پاسداران یا چه مشکلائی روبرو بود. آیتالله مهدوی کنی بکرات بخاطر داره که بارها و بارها شب و روز من بایشان متوسل میشدم و تقاضای کمک میکردم و ایشان رسماً مسئولیت بزرگی را پذیرفته بودند بدون اینکه سازمانی واقعا وجود داشته باشد و در اختیار ایشان باشد. این خدمات و پی گیریها ر حفظ آبروی انقلاب اسلامی ایران باعث شده بود که کلیه سفرای خارجی از رفتن من اظهار تاسف کنند.

با توجه بر مراتب فوق و با توجه باینکه سیاست دولت این بود که مسائل و مشکلات را از طریق مذاکره حل نماید، در دورانی هم که من بسوئد میرفتم، نمایندگان سفارت آمریکا در تهران که تظاهر بداشتن علاقه برای حل مسائل فیما بین میکردند اظهار علاقه کردند که آیا میتواند مذاکرات برای حل مسائل فیما بین ایران و آمریکا را در سوئد دنبال کنند. من از آقای نخست وزیر اجازه گرفتم ایشان گفتند اشکالی ندارد و پس از دو ماهی که بسوئد رفتم، پودم از طریق سفارت آمریکا در سوئد اطلاع دادند که آقای استمیل از واشنگتن قاضا کرده که برای مذاکره درباره مسائل فیما بین به سوئد بیاید و شما را ببیند. گفتم اجازه دهید از تهران کسب اجازه کنم. شخص آقای نخست وزیر و وزیر امور خارجه تلقین کردم، اجازه دادند. بعد به سفارت آمریکا در سوئد اطلاع دادم که بیاید. آقای استمیل و شخص دیگری پس از ژرژکیو بسوئد آمدند. در اینجا یک توجه اصولی بندهم که شما خواهان و برادران و هموطنان توجه داشته باشید که اصولا هیچ تصمیمی را من و دولت نمیتوانستیم بگیریم مگر اینکه آن تصمیم به خصوص امام و شورای انقلاب برسد بنابراین بر مبنای سیاست حل مسائل از طریق مذاکره آنها آمده بودند که رامحل هایی را عرضه کنند و آنچه مطرح کردند عبارت بود از:

xalvat.com

ما چه کنیم که دولت ایران قبول داشته باشد که ما میخواهیم مسائل فیما بین را حل کنیم... این سوالی بود که بارها و بارها در تهران از آقای نخست وزیر، وزیر خارجه و من و دیگران کرده بودند.

جواب همه ما هم این بود که شما بایستی اولاً صادقانه بر امور داخلی ایران دخالت نکنید و استقلال و حق حاکمیت ملی و انقلاب ما را بر سر میث بشناسید و به آن احترام بگذارید و از توطئه کردن و مخالفت دست بردارید. ثانیاً پول های توقیف شده ما را که در مورد قراردادهای توقیف کرده اید آزاد کنید. لوازم زندگی مورد احتیاج نیروی هوایی ما را در اختیار ما بگذارید.



این جوابها همه جوابهایی بود که با مشورت وزیر امور خارجه و آقای نخستوزیر تهیه کرده بودیم و در این سفر علاوه بر سؤال فوق که تکراری بود گفتند که میخواهند برای اثبات حسن نیت خود اطلاعاتی را که در مورد همسایه های ایران و مخالتهای آنها دارند بدولت ایران بدهند. من نتیجه مذاکرات را تلفنی به آقای نخستوزیر اطلاع دادم و ایشان پس از مشورت با دکتر یزدی وزیر امور خارجه گفتند عیبی ندارد.

xalvat.com

البته در این مدت که من در سوئد بودم سایر اقربا سفارت آمریکا در تهران با مسئولین وزارت امور خارجه و وزارت دفاع و نیروی هوایی طبق اظهارات آقای مهندس بازرگان جلسات متعددی داشته و پیشرفتهای هم در حل مسائل قراردادی و لوازم بدکی کرده بودند که البته من در جریان آنها نیستم.

دومین بار در اواخر شهریور دو مرتبه از سفارت آمریکا در سوئد اطلاع دادم که آقای ژرژکیو میخواهد درباره مسائلی بدین من بیاید. باز به آقای نخستوزیر تلفن کردم گویا آقای دکتر یزدی در آن وقت در تهران نبودند ولی آقای نخستوزیر اجازه دادند به سفارت آمریکا بر سوئد اطلاع دادم که آقای ژرژکیو آمد و درباره آینده نفت در جهان و استفاده از وسائل حفاظتی جنوب و شمال صحبت کرد و دومرتبه همان سؤال تکراری را برای عادی کردن روابط دو کشور مطرح کرد که جوابهای من همان جوابهای قبلی بود.

در چند روزی که در تهران بودم باز از سفارت آمریکا کاردار سفارت تلفن کرد و گفت که متصدی میز ایران در واشنگتن به ایران آمده و میخواهد شما را ببیند. به آقای دکتر یزدی تلفن کردم و ایشان اجازه دادند و آقای کاردار و آن شخصی که نامش را به خاطر ندارم دیدنم آمدند و گفتند که مساله اینست که شاه مریض است و ما میخواهیم

او را برای معالجه به آمریکا ببریم. گفتم مردم ایران با این امر بشدت مخالف هستند. گفت بهر صورت این يك مسأله حیاتی است، میخواهیم آقایان نخستوزیر و وزیر امور خارجه را ببینیم. فردا ساعت ۱۱ صبح بدختر آقای نخستوزیر آمدند و همین لحاظا را تکرار کردند. آقایان هم همین مطالب را گفتند که ملت ایران نمیتواند آنرا بپذیرد. حتی آقای دکتر بژدی پیشنهاد کرد که او را به اروپا بفرستند، گفتند نمیشود. بهر صورت به آنها گفته شد خود شما و دولت آمریکا مسئولیت مذاقبت این امر را بعهده خواهید داشت. من قبل از بازگشت به سه گد خدمت امام رسیدم و ضمن عرض گزارش کارهای سؤدد، آمدن آمریکائیا را نیز خدمتشان گفتم، با ناراحتی آمدند با آمریکائیا خیلی احتیاط کنید. این آخ در جلسای بعد که من با آنها داشتم. بعد که سفارتنا آمدنکا در تهران از طرف دانشجوان، پیرو خط امام تصرف شد و امام دستور دادند که هیچ يك از مسئولین کشور حق تماس با آمریکائیا را ندارند، آقای ژرژکیو از آلمان تلفن کرد که برای مسأله گروگانها میخواهد مرا ببیند. باو گفتم طبق دستور امام، رهبر کشور، هیچ کس حق تماس و مذاکره را ندارد و تلفن را قطع کردم.

### اتهامات دوم - سعی در نگهداشتن بختیار

خواهران و برادران هموطن. امیدوارم که بازمس - حوصله به خرج داده و به هرايش صادقانه من همچنان بدون تعقیب و جهت گیری و منصفانه توجه فرمائید. به خاطر دارید که حضرت آیتالله خمینی در زمانیکه در پاریس بودند یکی از دستورات ایشان دربارہ شخص بختیار که اصرار داشت خدمت امام برسد و به قول خودش موافقت امام را جلب نماید این بود که اگر بختیار استعفاء بدهد احتمالا او را به عنوان يك فرد ساده ایرانی خواهند پذیرفت. از طرف دیگر میدانید که بختیار قبل از اینکه ماسکه از چهره کثیف خودش بردارد و فرمان نوکری از شاه جنایتکار بگیرد ظاهرا در صف ملیون و جبهه ملی قرار داشت نتیجتا با همه افراد مبارز از دوران دکستر مصدق آشنا بود. وقتی او به نخست وزیر رسید من به آقای بازرگان پیشنهاد کردم که اگر ایشان وسایر رهبران موافقت کنند من به دیدن بختیار بروم و او را راضی کنم که استعفا بدهد.

دنیا له دارد





## دفاعیه امیر انتظام از زندان - (آخرین قسمت)

# چگونه بختیار حاضر به استعفا شد

xalvat.com

مهندس امیر انتظام سخنگو و سفیر سابق دولت بازرگان در سوئد در آخرین بخش از دفاعیه خود از زندان به اتهاماتی در مورد رابطه او با: و مسائل دیگر پاسخ میدهد.

متن آخرین بخش از سخنان امیر انتظام شرح زیر است:

xalvat.com

یعنی همان دستوری که امام داده بودند، ضمناً اضافه کنم تا آن تاریخ هیچ گونه آشنائی با بختیار نداشتیم. آقای مهندس بازرگان با سایر رهبران انقلاب در تهران که تا آن وقت به طور مشخصی برای من شناخته شده نبودند صحبت کردند و گفتند برو. آقای دکتر احمد مدنی برادر مبارز و فداکار ما با بختیار به دلیل عضو بودن در جبهه ملی آشنا بود و بختیار به ایشان اصرار داشت که سمت وزارت کشور را بر گایینه بختیار بپذیرد و ایشان رد کرده بود. مطلب ربا دکتر مدنی در میان گذاشتم قول داده وسیله ملاقات را فراهم کند و فراهم کرد و من به دیدن بختیار رفتم و از او خواستم که از مقام خود کنار برود. این جلسات و مذاکرات با بختیار چه به تنهایی و چه با حضور دکتر مدنی و چه با حضور آقای دکتر عبدالله سبحانی و چه در ملاقات خصوصی بین آقای مهندس بازرگان و بختیار. بارها در مدت ۳۸ روز زمامداری او تکرار شد تا یکبار که فکر میکنم در حدود دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ بود بختیار به استعفا رضایت داد و متن استعفاء نامه را با خط خودش نوشت و گفت تحت این شرایط من استعفا میدهم. در آن جلسه آقای دکتر مدنی هم حضور داشت متن را به اتفاق ایشان برای استحضار مهندس بازرگان به مدرسه رفاه بردیم.

باز اطلاع دارید که مدرسه رفاه محل اجتماع روحانیت مبارز تهران و شورای انقلاب و دفتر مهندس بازرگان بود و در مدرسه رفاه برای اولین بار با جناب آقای دکتر بهشتی که در جریان ملاقاتهای من با بختیار از قبل توسط مهندس بازرگان قرار گرفته بود ملاقات کردم ایشان مرا به اطاقی گفتند می‌کنم تمام اعضاء مشترک جامعه روحانیت مبارز تهران و شورای انقلاب در آن حضور داشتند نهایت کردند. افرادی که در این اطاق بودند عبارتند از: حضرت آیتالله طالقانی - آیتالله دکتر بهشتی - آیتالله مطهری - آیتالله موسوی اردبیلی - آیتالله ربانی شیرازی - حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - دکتر باهنر - تا این تاریخ من فقط خدمت آیتالله طالقانی - دکتر باهنر - آیتالله موسوی اردبیلی و دکتر بهشتی رسیده بودم. البته عده دیگری از آیات عظام هم بودند که من نه هیچ وقت آنها را ملاقات کرده بودم و نه نام آنها را میدانستم. من و دکتر مدنی در سر میزیکه آقایان نشسته بودند نشستیم و گزارش ملاقات خودمان را با بختیار با استحضار جمع رساندیم. البته واضح بود که آقایان قبلاً هم از طریق آقای بازرگان در جریان قرار گرفته بودند. پس از اتمام گزارش آیتالله طالقانی

فرمودند اینجا در حضور جمع به نتیجه نخواهیم رسید. با انگشت به آیت‌الله مطهری - آیت‌الله ربانی شیرازی - حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و دکتر مدنی و من اشاره کردند که به اطاق دیگری برویم و پیشنهاد بختیار را بررسی کنیم. به اطاق دیگر رفتیم و آقای هاشمی رفسنجانی با مشورت با آیت‌الله مطهری و آیت‌الله ربانی شیرازی متن جدیدی را به خط خودشان تهیه کردند. البته دکتر مدنی و منم نشسته بودیم و گوش فیلدیم. پس از آنکه شام شد بها دادند و گفتند آن را به بختیار بدهیم. چون نزدیک ساعت حکومت نظامی بود آن شب نتوانستیم ولی من فردا آن را به دفتر بختیار بردم بختیار متن جدید را قبول کرد و اصلاح کوچک با خط خودش در متن کرد. متن را دو مرتبه به مدرسه رفاه بردم و همه آقایان دیدند و قریب شد توسط آقای مهندس بازرگان با پاریس تماس گرفته شود و چنانچه امام موافقت فرمایند به مرحله اجرا گذاشته شود. آقای مهندس بازرگان شاید در حدود یک ساعت یا بیشتر تلفنی با پاریس با دکتر یزدی صحبت کرد و توضیح داد و قرار شد متن به اطلاع امام رسانیده شود و جوابش را به تهران بدهند. من در مذاکرات تلفنی حضور نداشتم اما از آقای مهندس بازرگان شنیدم که ابتدا دکتر یزدی اطلاع داده بود و است که امام موافقت فرمودند ولی بعد تلفن کرده بودم. است که نه این متن مورد موافقت امام نیست. نتیجتاً این موافقت نامه اولیه که پانزدهم و به خط حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و مشورت و تأیید آیت‌الله مطهری و آیت‌الله ربانی شیرازی بود انجام نشد. معیناً ما دست از تعلیم مساله بر نداشتیم چون هر روز ملت ما چند هزار قربانی می‌داد و معتقد بودیم که هرچه زودتر بختیار را بتوانیم از صندلی نخست وزیری به زیر بکشانیم. پیروزی ملت سریعتر و از افزایش تعداد شهدا و قربانیان جلوگیری خواهیم کرد. در

نتیجه باز به دستور و موافقت رهبران فوق‌الذکر من بسا  
 بختیار تمام گرفتم و حتی بختیار برای اینکه از خودش  
 سر، مسئولیت کند جلسه‌ای را با حضور آقای دکتر سعادی  
 و خودش و تیمسار قره‌باغی و تیمسار مقدم و بن تشکیل  
 داد که جالب بود آن دو نفر ارتشی و امنیتی می‌خواستند  
 بگویند همه چیز در اختیار بختیار به عنوان نخست وزیر  
 است و بختیار اصرار داشت که بگوید نمیتواند ارتش را  
 متوقف سازد.

xalvat.com

آن شب به جایی نرسیدیم اما در جلسه‌ایکه شاید دو  
 ساعت عصر جمعه ۲۰ بهمن در منزل او داشتیم باز قانع  
 شد که استعفا بدهد اما روز بعد به جای شنبه جلسه را سه  
 یکشنبه موکول کرد و یک مرتبه ساعت حکومت نظامی را از  
 ساعت ۱۰ شب به چهار بعداز ظهر تقلیل داد و در صبح  
 کوچک خودش فکر کرده بود که با کوتاه کردن مدت آزادی  
 حرکت مردم در روز شنبه، در شنبه شب بتواند به محل اقامت  
 امام و سایر رهبران حمله کرده و آنها را از بین ببرد.  
 خوشبختانه تصمیم قاطع و به موقع امام که اعلام کرده  
 بودند همه مردم به خیابانها بریزید این توطئه را خنثی کرد.  
 البته این را هم بگویم که هیچ کسی جز امام توجه به این  
 توطئه نکرده بود. بهمین دلیل فردا صبح یعنی یکشنبه ۲۲  
 بهمن بختیار به من در دفتر مهندس بازرگان تلفن کرد و  
 گفت امروز ساعت ۴ بعداز ظهر یعنی (یکشنبه ۲۲ بهمن  
 ساعت ۴ بعداز ظهر) همان جلسه تشکیل شود و او می‌آید  
 استعفا خواهد داد. خوشبختانه پیروزی چشمگیر و غیر  
 منتظره ملت قهرمان یا در شنبه شب و صبح یکشنبه باعث شد  
 که ارتش منهدم و در ساعت ۱۰ صبح تصمیم به بیطرفی  
 بگیرد که این تصمیم در ساعت ۱۱ بعداز ظهر اعلام شد.  
 حال طبق توضیحاتیکه در بالا دادم و خوشبختانه  
 شخص آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر سعادی و سایر  
 رهبران چه حضرت آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مطهری همه  
 زنده و حاضرند چگونه تلاش ما برای وادار کردن بختیار  
 به استعفا طبق دستور امام صل بر حمایت و نگهداری بختیار  
 شده است خدا میداند.

### اتهام سوم - انحلال مجلس خبرگان

در سرتیکه در بهر ماه سال جاری به تهران آمده بودم متأسفانه مانند مسافرت قبل يك سوال برای مردم مطرح بود و آن اینکه باوجود بیکاری فراوان و خرابکاریهاشیکه از طرف ضدانقلاب در سرتاسر مملکت انجام میشود و وحشت عدم امنیت که با شایعات فراوان ضد انقلاب وجود داشت چه بایستی کرد تا دوران رسیدن به حکومت دائمی را کوتاه کرد و اجازه نداد که ضد انقلاب ضربات سنگین تری را به انقلاب اسلامی ایران وارد سازد. این بحث همه جا وجود داشت و همه افراد علاقمند به سرنوشت انقلاب درباره آن فکر میکردند.

یکی از شبها که با عدهای از دوستان نهضت مقاومت دور هم جمع بودیم و مطابق معمول بحث شایعات رایج کشور مطرح بود و درباره راه گشائی آن فکر میشد. این فکر که بدلیل طولانی شدن مدت مجلس خبرگان به وجود آمده بود انحلال آن مجلس بود. قرار شد که آقایان بنی صدر و صدر حاج سید جوادی که قاضی و حقوقدان بودند مطالعه کنند و نتیجه را بگویند. ضمناً قرار شد خود فکر را من به اطلاع آقای نخست وزیر برسانم. فردا ظهر خدمت آقای مهندس بازرگان رسیدم و ایشان را در جریان گذاشتم. ایشان گفتند ابتدا بایستی متن را ببینند متن توسط آقای بنی صدر و به خط و انشاء ایشان در روی کاغذ کوچکی تهیه شده بود. آن را برای اطلاع آقای نخست وزیر بردم. ایشان مدتی فکر کردند و گفتند وقتی يك طرح قابل مطرح شدن در هیئت دولت است که وزراء آن را امضاء کنند.

بقیه آقایان وزراء که جمعا ۱۷ نفر شدند قبل از شرکت در جلسه هیئت دولت این طرح را امضاء کردند و دادند خدمت آقای مهندس بازرگان و ایشان در جلسه هیئت دولت مطرح کردند و قرار شد فردا خدمت امام برسند و آن را خدمت امام ارائه دهند. البته امام طرح را رد کردند.

من يك کپی از این پیشنهاد را با خود بگوئید بردم و در بین استاد و مدارک خود نگاه داشتم وقتی دادستانی متن این نوشته را در بین اوراق و اسناد خصوصی من در سفارت ایران در بوئنوس آیرس که به تهران فرستاده شده بود پیدا کرد. فکر کرده بود که من طرح منتهی الخیر را علیه یکی از همکاران خارج ایران به من تلقین شده است وقتی توضیح دادم و تحقیق کردند مسئله برای دادستانی روشن شد و با وجودیکه تماس دائمی بین دادرسی انقلاب و دانشجویان پيرو خط امام وجود دارد و بدون شك دانشجویان نیز از توضیحات من و تحقیقات دادرسی انقلاب و صحت توضیحات من مطلع شده اند معذرتاً با کمال تأسف دو مرتبه آن را به عنوان يك توطئه که من عامل آن بودم و آنهم از طرف آمریکا دیکته شده است برخلاف حقی مطرح کردند.

## xalvat.com

## اتهام چهارم - اجازه خروج

در مورد دادن اجازه خروج به اسیران در دوران هاوت نخست وزیری بایستی باستحضار هموطنان عزیز رسانم که با موافقت آقای نخست وزیر، ما سیستمی را در خدمت وزیری بوجود آورده بودیم و آن عبارت از این بود که کمیته امنیت نخست وزیر که زیر نظر معاون امور انقلاب نخست وزیر اداره میشد بایستی ابتداء نسبت به خروج افراد اظهار نظر کند و اگر کسی در لیست آنها وجود داشت مینوشتند که ممنوع الخروج است و اگر در لیست آنها وجود نداشت مینوشتند که در لیست ممنوع الخروجها نیست و علاوه بر تأیید دفتر امنیت نخست وزیر ما یک محکم کاری دیگر هم میکردیم و آن این بود که یکی از اعضاء هیئت دولت یا دفتر کمیته انقلاب امام و یا یکی از افراد کادر رهبری کتبا نوشته باشند و مسئولیت خروج افراد را پذیرفته باشند در آن صورت این جانب اجازه خروج صادر میکردم. متأسفانه در روزنامه صبح تهران، روزنامه صبح آزادگان، و روزنامه جمهوری اسلامی ایران بدون بررسی و مطالعه یا لاقلاً سؤال از شخص من یا سایر مسئولین برای آشنائی به نحوه کار ما در نخست وزیری هر کدام سندی را به عنوان «اینهم سند خیانت دیگری از امیر انتظام» منتشر ساختند که هم برخلاف اخلاق و هم اسلام و هم قانون اساسی است و امیدوارم این پروردگار نسبت به آنچه کرده و گفته اند تجدید نظر کنند.

با وجود طولانی شدن سخن و عرض معذرت فراوان اجازه دهید یک نکته را به عرض شما ملت ایران و رهبران عالیقدر مذهبی و سیاسی برسانم.

در مدت ۵ ماهیکه در کشورهای اسکانديناوی بودم بیش از ۵۰ مصاحبه و سخنرانی درباره شناساندن حقوق ملت مسم دیده ایران و اهداف انقلاب اسلامی و دخالتهای دولت جنایتکار آمریکا انجام دادم که تمامی متن فارسی و انگلیسی آنها در دادسرای انقلاب اسلامی ایران وجود دارد و تعدادی از آنها را هم شما مردم ایران قبل از توقیف من شنیدهاید هیچ فرد علاقمند به انقلاب اسلامی و وضع سیاسی ایران در کشورهای اسکانديناوی نیست که فریاد حق طلبانه ملت ایران را در سخنرانیها و یا مصاحبههای این جانب نخواند و یا نشنیده باشد و جای تأسف بسیار است که قول مهندس بازرگان به جای دست شما درد نکند مورد اتهام کثیفترین و سنگینترین اتهامات تاریخ بشری قرار گرفته ام من قبل از حرکت به ایران در روزنامههای تهران خواننده بودم و ضمناً میدانستم که با خدمات گذشته من پروندهای زده اند و افشاکاری آنها را درباره مهندس مقدم مراغه ای نیز خواننده بودم و میدانستم که با خدمات گذشته من پروندهای هم به نام من در سفارت آمریکا وجود دارد و اما چرا به ایران آمدم به دو دلیل:

۱- اعتماد و تکیه به انجام خدمات شرافتمندانه و صادقانه خودم به ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران.

۲- اعتماد به وجود عدالت اسلامی در حکومت انقلاب اسلامی که نه تنها مبله‌ونها مردم ایران در انتظار آن هستند بلکه همه چشمها در جهان در انتظار این عدالت است.

من به محض ورود به ایران با آقای قطب‌زاده تماس گرفتم و با آقای کمال خرازی معاون وزارت امور خارجه صحبت کردم و چون کتاب کودتای تنکین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که توسط آقای کریمیت روزولت که ست رهبری کودتای ایران داشته است ترجمه و به همراه آورده بودم تا از طریق امام خمینی به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به خاطر طرح در دادگاه جاسوسان امریکائی و دفاع از حقوق ملت ایران تقدیم کنم در تماس تلفنی با آقای دکتر خرازی بنابه پیشنهاد خود ایشان برای ملاقات با دانشجویان پیرو خط امام تقاضای وقت ملاقات کردم. البته به جای تعیین وقت و قبول هدیه ناچیز من با مسلسل و گارد محافظ به عنوان جاسوس به زندان دانشجویان پیرو خط امام هدایت شدم.

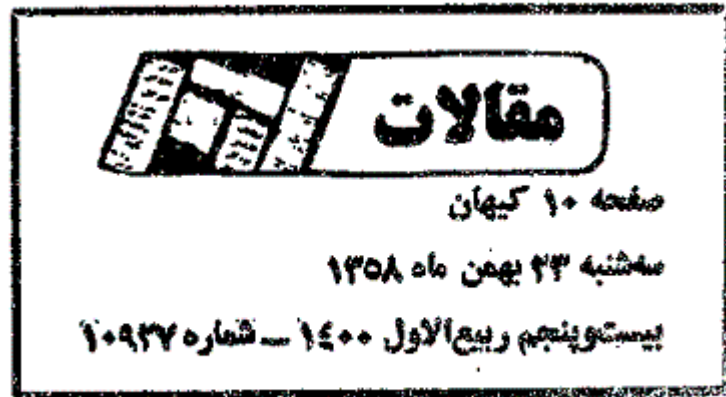
این کتاب که بزرگترین سند دخالت امریکا در امور داخلی ایران و کودتای تنکین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ میباشد و توسط کریمیت روزولت مأمور مالبرته «سیای» آمریکا و مسئول اجراء کودتا نوشته شده بدون حضور من از طریق آقای مهندس بازرگان خدمت امام خمینی تقدیم شد.

با عرض عنایت از ابطال کلام شما جازم بسا در نظر گرفتن عینکی بزرگ که ناگزیر از اعمال همه ماست دربار من به قضاوت بنشینید و در خانه دو بیت شعر از شاعر بزرگ ایران مولانا فخر میگویم.

گوهر قیمتی از کام سنگان آرند  
آنکه او را خم چان است به دریا نرود  
ورنه دریا کهر با سنگهاست  
فخرها اندر میان سنگهاست  
با عرض تشکر فراوان بازداشت‌گاه دانشجویان پیرو خط امام.

عباس امیر انتظام

[xalvat.com](http://xalvat.com)



[xalvat.com](http://xalvat.com)

# پاسخ «رضا پراهنی» به امیر انتظام



روزنامه محترم کیهان  
استدعا می‌کنم طبق قانون  
مطبوعات امر به درج یا نداشتن  
زیر بفرمائید:

در نامهای که آقای امیر  
انتظام، سفیر سابق جمهوری  
اسلامی ایران در سوئد و سخن  
گوی سابق دولت هفت سابق  
در دفاع از خویش و از  
بازداشتگاه دانشجویان پیرو  
خط امام نوشته و در شماره ۲۰  
پهن ماه آن روزنامه چاپ  
شده، اشاره‌ای به نام اینجانب  
نیز کرده است که عین اشاره  
را نقل می‌کنم تا جوابش را  
بنویسم:

«به عنوان مثال در زمانیکه  
تلویزیون سوئد به من که  
سفیر جمهوری اسلامی ایران  
در آن کشور بودم فقط سه  
دقیقه وقت آن هم در یک  
هفته داده بود یکی از آقایان  
گروه مخالف آقای رضایرانی  
۴۵ دقیقه وقت مصاحبه در یک  
شب داده بودند تا نظرات  
مخالف خودش را نسبت به  
حکومت جمهوری اسلامی ایران  
بیان کند.»

به دنبال این گفته، آقای  
امیر انتظام نتیجه‌گیری کرده  
است که «نمایندگان سیاسی  
تمام کشورهای خارجی مقیم  
با رهبران گروه مخالف تماس  
می‌گیرند و آن گروه مخالف  
را به عنوان دولتی در حال  
به وجود آمدن تصویر تمییر  
می‌نمایند و همین کار را نیز  
رسانه‌های گروه‌سی اعسم از  
روزنامه یا رادیو ویا تلویزیون  
انجام میدهند.»

چند نکته را روشن کنم:  
اولا تلویزیون سوئد، نماینده  
دولت سوئد نیست. ثانيا من  
از رهبران گروه مخالف  
نیستم تا نمایندگان سیاسی  
تمام کشورهای خارجی «با من  
تماس بگیرند تا من و گروهم  
را به عنوان دولتی در حال  
به وجود آمدن تصویر تمییر»  
نمایند ثالثا اگر من از رهبران  
گروه مخالف بودم و دولتی  
در آستین داشتم و نمایندگان  
سیاسی کشورهای خارجی به  
من تماس می‌گرفتند، این  
تماس را می‌گذاشتم در ملاء  
عام و در برابر جهانیان بگیرند  
تا فردا مدارکش از آشغالدانی  
جاسوسخانه‌ها به بیرون کشیده  
نشود. رابعا هرگز به مغز من  
خطرور نمی‌کرد، همان طور که  
به مغز بسیاری از خادمان  
بی نامو نشان مانده این آبو  
خاک خطرور نکرد که درست  
در بحبوحه بزرگترین حرکت  
تاریخ ایران، یعنی انقلاب بهمن  
۵۷ وقتی که شاه و شاپور  
بختیار و ویسلیام سالیوان،  
خون در کاسه سر شهیدان  
کشور ما می‌نوشیدند، با  
سالیوان، این جانی کبیرا قطار  
عالم به دور یک میز بنشینیم  
و با او، موضوع برگزاری  
رفراندم جهت تبدیل مشروطیت  
سلطنتی به جمهوری اسلامی را  
مورد بحث قرار دهم، به  
همانگونه که آقای مهندس  
بزرگان مورد بحث قرار داد.

بود. بخشی از این کتاب در آن زمان به زبان سوئدی ترجمه شده بود. سردبیر این روزنامه آقای «پر و استبرگ» قصه نویس شهیر سوئدی است. کما کون ریاست انجمن جهانی قلم را بر عهده دارد. کتاب من درباره فجایع شاه بود. مقاله آقای «واستبرگ» سبب شد که شاه در سوئد به اعتبار شود. در همان سال دو فیلم بردار و یک خبرنگار تلویزیون سوئد با قرار قبلی در نیویورک به آهاریمن من آمدند و یک مصاحبه یک ساعته درباره شاه شکنجه گران شاه و مسائلی مربوط به انقلاب در ایران با من به عمل آوردند. بعدها یکی دو مصاحبه دیگر هم در طول سالهای بعد با من کردند. «فریاد حق طلبانه ملت ایران» چهار سال پیش از آنکه آقای امیر انتظام مدعی رساندن آن به گوش مردم کشورهای اسکاندیناوی بشود. به گوش آنان وبه وسیله این مصاحبه ها رسیده بود. [xalvat.com](http://xalvat.com)

بعد از انقلاب من دهها بار با مهم ترین رسانه های گروهی جهان مصاحبه کردم، من جمله تلویزیون سوئد.

گلیه این مصاحبه ها در دفاع از حقانیت انقلاب ایران بوده است. خبرنگار تلویزیون سوئد چندها پیش به کانون نویسندگان ایران آمد و خود را معرفی کرد و بعد با من قرار مصاحبه گذاشت و در خانها با من مصاحبه کرد. در این مصاحبه کوچکترین ارتباطی بسبب نظریات مخالف... نسبت به حکومت جمهوری اسلامی نداشت. و این طبیعی است که دفاع من از انقلاب ایران با دفاع امیر انتظام از آن فرق کند، چرا که در دفاع ایشان آقایان سالیوان و استمیل، یعنی

سردمداران ضد انقلاب جهانی در شمار مشاوران انقلاب ایران قرار می گیرند، و در دفاع من مردان و زنانی که سنگر به سنگر علیه شاه و سالیوان، قدر ناخنی و قدر جهانی، جنگیدند و تا این سنگرها را فتح کردند، از پا نشستند. در مصاحبه من ساخت انقلاب ایران، نقش امام در حرکت ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی انقلاب، ترکیب جمعیت کشور به عنوان ساختی مرکب از چندین خلق، نقش ملیت های تحت ستم ایران در انقلاب نقش دموکراسی و امکانات پیشبرد هدفهای دموکراسی، علل و ماهیت خفقان در دوران سلطنت، و انواع شکنجه هایی که مردم ایران از دست ماموران تربیت شده بدست سیا و موساد کشیده بودند، و مسائل مشابه بررسی شده بود. و علت مصاحبه با من چاپ بخشی از کتاب «آدمخواران تاجدار»، یکی از کتاب های من به زبان سوئدی بود. کتابی که بنده دوازده زبان مختلف ترجمه شد و پرده از روی جنایات شاموسیا در ایران کنار زکره است.

حاشا اگر شامبه چنین قرار و  
مداری در اوایل بهمن ماه  
رسیده بودید، چرا بملتان ایران  
قرار و مدار خود را اطلاع  
ندادید. تا در همان بهمن ماه  
اسلحه آمریکائی از فرزندان  
خیور کشور ما خون نگیرد؟  
خیز برداشتن از بالاسرا انقلاب  
برای ساخت و پاخت با سالیوان  
این عیب را دارد که دیر یا  
زود مشت آدم را باز می‌کند  
و آدم را به حق در پارداشتگاهی  
جای دهد که اینک آقای امیر  
انتظام در آن جا گرفته است.  
آقای امیر انتظام می‌گوید  
که تلویزیون سوئد به ایشان  
بیش از سه دقیقه در هفته  
وقت نداده، ولی بهمن چهل و  
پنج دقیقه وقت داده است.  
البته این احترام حدود لیاقت  
امیر انتظام در سفارت سوئد  
را نشان می‌دهد. ولی از آنجا  
که در غگو کم حافظه میشود،  
آقای امیر انتظام در پایان  
دفاعیه خود ادعائی می‌کند که  
به کلی ناقض ادعای قبلی  
است. می‌گوید: «هیچ فرد  
علاقه‌مند به انقلاب اسلامی و  
وضع سیاسی ایران در کشور  
های اسکانندیناوی نیست که  
فریاد حق طلبانه ملت ایران را  
در سخنرانیها و یا مصاحبه  
های این جانب نخوانده و یا  
نشنیده باشد.» و این همه، در  
عرض همان سه دقیقه!

ولی چرا تلویزیون سوئد  
با من مصاحبه کرده است، آن  
هم نه مصاحبه‌ای چهل و پنج  
دقیقه‌ای، بلکه مصاحبه‌ای در  
حدود بیست الی بیست و پنج  
دقیقه؟ حتی حسادت آقای  
امیر انتظام هم بی‌مورد است.  
این جانب هرگز در کشور  
سوئد نبودم. ولی باید در اینجا  
متذکر شوم که در سال ۱۹۷۶،  
سردبیر «داگن تسایهتر»،  
معتبرترین روزنامه استکهلم،  
مقاله‌ای نوشته بود درباره  
یکی از کتابهای من که تازه  
به زبان انگلیسی چاپ شده

هنگام فرو رفتن در گرداب  
و گنداب، عده‌ای مذبوحانه  
دست ویای می‌زنند و میکوشند  
ساحت پاک دیگرانی را که با  
شرف مبارزه کردند و با شرف  
زندگی کردند و با شرف هم  
خواهند مرد، آلوده کنند غافل  
از اینکه این قبیل تشبثات  
مذبوحانه، تنها گرداب را  
عمیق‌تر، گنداب را پلیدتر، و  
عرصه را بر آنان تنگ‌تر میکند.  
درخت برومند انقلاب ایران،  
برگ‌های مصنوعی و دروغین  
خود را برآسر و رش نسیم  
آگاهی انقلابی جامعه می‌تکاند  
و فرو می‌ریزد. برگشت این  
برگ‌ها به بالای درخت به  
همان اندازه بازگشت شاه به  
کاخ نیاوران امری است محال،  
و آقای امیر انتظام بیخودی  
زور می‌زند.

xalvat.com

رضا - براهنی

۲۰ بهمن ماه پنجاه و هشت - تهران

تلویزیون خارجی است. ولی  
درست در شیرین‌ترین دوران  
انقلاب، تلویزیون قصب‌زاده، به  
من اجزه نند حتی یک ثانیه  
بر روی پرده‌اش ظاهر شوم.  
نودونه درصد آزادی خواهان  
مبارز و مستقل ایران که به  
کشور خویش، به زحمتکشان  
وتوده‌های محروم از همه‌چیز  
خویش عشق می‌ورزیدند، در  
طول سال گذشته دقیقاً وضع  
ما داشتند. یعنی انسان نیز  
دست‌رسی به رسانه اصلی کشور،  
یعنی رادیو تلویزیون نداشتند.  
در حالیکه آقای امیر انتظام،  
در همان زمان که روابط  
مخصوص خود را با نمایندگان  
غارتگران کشور محافظ کرده  
بود، رادیو تلویزیون را هم  
به عنوان معاون نخست وزیر و  
سخنگوی دولت موقت در  
اختیار خویش داشت.





# بازرگان: شورای انقلاب در جریان کارهای امیر انتظام و میناچی بود



«ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی بدنبال افشاگری دانشجویان پیرو خط امام در ساعت ۴ باطواد امروز در خانه اش دستگیر شد.»  
مهندس مهدی بازرگان عضو شورای انقلاب و یکی از رهبران نهضت آزادی صبح امروز در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار کیهان بار دیگر نقطه نظرهای خویش را در مورد افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام مطرح کرد.

[xalvat.com](http://xalvat.com)

متذکر شده بود این افشاگریها اول باید تسلیم دادگاه شود تا چنانچه دادگاه تشخیص داد که این شخص مجرم است آنوقت او را احضار کنند از خودش دفاع بکند و بعد مردم بگویند. مهندس بازرگان در بخش دیگری از این گفتگو خاطر نشان کرد:

این عمل بسیار عمل زشت و خلافی است که این دانشجویان انجام می دهند و همه با این عمل آنها مخالف هستند و عمل آنها ضد انقلاب، اسلام و امام و ضد همه چیز است.

و حالا آقای امیر انتظام هم با اجازه آقای دادستان دفاعیه ای فرستاده است که این را من به رادیو تلویزیون خواهم داد. و اگر اجازه داده شود در رادیو و تلویزیون خوانده خواهد شد و آقای امیر انتظام در تلویزیون حضور پیدا خواهد کرد تا از طریق تلویزیون ضمن صحبت، از خود دفاع کند و یا اینکه با صدای خودش دفاعیاتش را ضبط و از رادیو تلویزیون پخش کنند. مهندس بازرگان گفت در غیر این صورت چنانچه رادیو تلویزیون از خواندن دفاعیات امیر انتظام خودداری کنند متن کامل این دفاعیات را برای انتشار در اختیار مطبوعات قرار خواهیم داد.

مهندس بازرگان در پاسخ این سؤال خبرنگار کیهان که دانشجویان در افشاگری اخیر خود بارها و بارها از ملاقات رهبران نهضت آزادی و ارتباط شان با سفارت آمریکا یاد کردند و در این رابطه از امیر انتظام و اخیرا نیز از میناچی نام بردند، در این باره چه می گویند؟ گفت: نظر من همان است که در مصاحبه چندی قبل و هم در دو نامهای که به کیهان داده بودم از جمله نامه «شیخ طی آقا» به آن اشاره کرده بودم.

مهندس بازرگان افزود: عمل این آقایان بسیار عمل ضد اسلام و ضد قانون است که یکطرفه بیابند و چیزهایی را بقول خودشان افشا کنند و تهمت های ناروایی بزنند. البته بر روی تعبیر و توجیه های خودشان و بدون اینکه طرف حضور داشته باشد که از خودش دفاع کند و یا همانطور که شورای انقلاب هم در اعلامیه های

بسیار تاسف است و اعراض به رادیو تلویزیون است که حق ندارد اینکار را انجام دهد. اگر اینها حرفی دارند و سندی در دست دارند باید به یک دادگاه و یا شورای انقلاب و حتی خود امام ارائه کنند تا تکلیف را روشن کنند و این مرجع هستند که باید با بررسی اسناد، دستور جلب و بازداشت افراد را بدهند.

مهندس بازرگان افزود: ضربه و لطمه کار غلط دانشجویان متوجه انقلاب و امام خواهند شد و هیچ لطمه‌ای به دشمنان نخواهد خورد. کسانی که حاضر شده‌اند و آمدند خدمت کردند و فداکاری کردند و تمام اعمالشان با تصویب بوده آنوقت اینها باید از طرف عده‌ای افراد بی‌صلاحیت و بی‌اطلاع مورد اتهام قرار گیرند.

مهندس بازرگان در پاسخ پرسش خبرنگار کیهان که آیا پس از افشاگری دیشب دانشجویان با دکتر میناچی تعاسی داشته‌اید گفت: به تعاس داشتم، ایشان را در ساعت ۲ با مناد در منزلشان جلب و بازداشت کرده‌اند. مهندس بازرگان در پایان، بار دیگر ضمن اعتراض به نحوه انعکاس افشاگری‌های دانشجویان از طریق رادیو تلویزیون گفت: من قبلاً هم در نامه‌ای که به رادیو تلویزیون

مهندس مهدی بازرگان نگاه باردیگر افشاگری‌های دانشجویان پیرو خط امام را مورد اشاره قرار داد و گفت: من بطور خلاصه میخواهم بگویم که افشاگری‌های قبلی و حال و آینده دانشجویان مقداری از آنها دروغ است و دروغ گفتن هم خیلی آسان است و بعد هم ممکن است همین گزارشها را که آمریکائی‌ها دادماند دروغ گفته باشند و معلوم نیست که این گزارشی که من در باره شما می‌دهم حتماً درست باشد زیرا برای شما سندیت نخواهد داشت، همانطور که اصلاً افشاگری‌های دانشجویان در باره امیر انتظام جاسوسی نبوده است و همین خدمت و انجام وظیفه بود. افشاگری دانشجویان در باره میناچی وزیر ارشاد ملی و سایرین هم به تعبیر و توجیه آنها کار غلطی بوده است ولی به تعبیر و توجیه بسیاری دیگر، کار بسیار صحیحی بوده و کاری بوده که اولاً به تنهائی و در خفاء انجام نشده و با مشورت بوده و علما و اعضای شورای انقلاب هم در جریان این کارها بودند و مشارکت داشته‌اند. حالا اختیار مملکت افتاده است بدست چند تا بچه و این جای

نوشتن ضمن اعتراضی گفته بودم که شما با این عملتان برخلاف اصول قضائی، اسلامی، اداری و همه چیز گام بر می‌دارید و این درست نیست که صفحه تلویزیون را اختصاص می‌دهید به شگین‌ترین اتهامات علیه اشخاص بدون آنکه آنطرف را خواسته باشید که حاضر شوند و از خود دفاع کنند. شما با این کارتان با حیثیت و شرف افراد بازی می‌کنید و متأسفانه رادیو تلویزیون هنوز هم به اینکار ادامه می‌دهد.

● امروز اعلام شد که دکتر ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی بازداشت شد.

مقام قضایی زندان اوین: صبح امروز ضمن تأیید این مطلب گفت: جهت رسیدگی به اتهامات ناصر میناچی، حکم بازداشت او صادر شد. و پاسداران مستقر در اوین با این حکم او را بازداشت کرده‌اند. [xalvat.com](http://xalvat.com)

مقام قضایی زندان اوین همچنین گفت: گروهی از قضات دادسرای انقلاب برای رسیدگی به اتهامات ناصر میناچی بسیج شدند. و پس از رسیدگی به اتهامات او، در صورت ثبوت موارد اتهامی، چگونگی آن اعلام خواهد شد.